

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید



دانشگاه تهران

دانشکده منابع طبیعی

گروه شیلات و محیط زیست

جلسه بحث کارشناسی رشته شیلات

موضوع:

بررسی بیولوژیکی دستگاه شنوایی خط جانبی در ماهیان مختلف

استاد راهنما:

.....

نگارش:

.....

مقدمه

ماهیان به کمک دستگاه شنوایی - خط جانبی، صدا، ارتعاشات و سایر جابجایی های آب در محیط اطرافشان را احساس می کنند. این دستگاه دارای دو جزء اصلی، شامل گوش داخلی، دستگاه نوروماست خط جانبی است. گوش داخلی ماهیان، علاوه بر دریافت صدا، جهت یابی یا تعادل فضای سه بعدی را نیز بر عهده دارد. این اندام، احساس جهت یابی در برابر جاذبه زمین را، حتی وقتی که ماهی در محیط های تاریک و پلاژیک به حالت معلق به سر می برد، امکان پذیر می سازد. در این ترجمه سعی بر این است که مطالبی را در مورد شنوایی ماهیان استخوانی به تفصیل و در مورد ماهیان غضروفی به طور خلاصه ذکر گردد. بدیهی است که گستردگی مطالب پیش از این سمینار است. مثلاً در مورد مکانیسم تولید الکتریسته و گیرنده های الکتریکی فقط به صورت خلاصه در ارتباط با خط جانبی مورد بحث قرار گرفته اند.

اصطلاح Octavolateralis یا سیستم شنوایی

واژه Octarolateralis با گوش داخلی، خط جانبی و سیستم های حسی مرتبط است که برای مدتی طولانی به عنوان سیستم تعادلی - صوتی شناخته شده بودند که این نام از تعبیراتی بود که در قدیم استعمال می شد و هردو سیستم را به عنوان یک دریافت کننده صوتی معرفی کرده بود که بوسیله پرده های مشابه از هم جدا شده اند و تصورات اولیه براین باور است که گوش داخلی از خط جانبی که حاوی ماده متشکله سلولهای شنوایی است، مشتق شده است. در صورتیکه گوش و خط جانبی بوسیله مشخصه های خود، نحوه تغذیه و اعمال اصلی آنها مشخص می شوند و به هیچ عنوان از یکدیگر مشتق نشده اند. ابتدا عمل مجموعه های مژگانی شرح داده می شود.

مجموعه های مژگانی دارای جهت یابی هایی هستند که با میزان حساسیت فیزیکی آنها که برای خم کردن این مجموعه ها بکار می رود در ارتباطند.

این جهت یابی بوسیله موقعیت خارج از مرکز ماده Kinotilium در یکطرف از مجموعه و انتقال تدریجی ولی زیاد Stereocilia که در سمت Kinotilium دارای طول بیشتر و در انتهای مجموعه دارای طول کمتری است تعیین می گردد.

خم شدن رشته ها در سمتی که طول بلندتر دارد سبب پلاریزاسیون داخل سلولی می شود و یک ولتاژ بالقوه ای در درون سلولهای شنوایی ایجاد می کند و با خم شدن به سمت مخالف از قطبی شدن بیش از حد جلوگیری می کند. بزرگی واکنش ها بستگی به خم شدن دارد و بوسیله اندازه گیری برحسب نانومتر محاسبه می شود.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

خم شدن دسته ها در جهتی به جز جهت اصلی واکنشی را طرح ریزی می کند که ارتباط
کسینوسی با خم شدن دسته ها دارد. خاصیت این واکنش برداری این است که به سلولهای
شنوایی یک مکانیسم بالقوه ای بر هدایت مستقیم واکنش ها و جهت یابی مرکز صوت در
آب می دهد.

هر غشاء حسی در ارگانهای داخلی، دارای سلولهای مژگانی جهت دار است که امر
الگوهایی مجزا وابسته به قطبیت سلولها قرار دارد.

آناتومی گوش داخلی و ضمیمه آن

ساختمان

در لابیرنت مهره داران دو قسمت بنام های Pars superior و Pars inferior مشاهده می شود. در ماهیان غضروفی و استخوانی اولی شامل سه مجرای نیم دایره و یکی از سه سنگریزه شنوایی بنام «اتریکول» است، که در یک سطح افقی با ظاهری ناصاف قرار دارد. در Pars inferior دو سنگریزه دیگر بنام های «ساکولوس» و «لاگنا» قرار دارد که بصورت عمودی و نزدیک به هم قرار دارند. علاوه بر موارد ذکر شده بیشتر ماهیان دارای یک ارگان داخلی دیگر بنام Macula neglecta هستند که در نزدیکی اتریکول و کانال آمپول و مجاری نیم دایره خلفی قرار دارد. هر کدام از زوایای داخلی با شاخه هایی از عصب شماره هشت جمجمه کنترل می شود.

مجاری نیم دایره

سه مجرای نیم دایره (قدامی، جانبی، خلفی) به سمت خارج اتریکول گسترده شده و درون آن از مایع آندولنف پر شده است. بخش قدامی و خلفی بوسیله یک صفحه عمودی بنام Crus Commune تقسیم می شود و برجستگیهای کروی آمپول در قاعده هر مجرا وجود دارد.

درون هر آمپول یک لبه مضرس و باریک و بلند بنام Crista ampularis وجود دارد که در سرتاسر مجرا بوسیله سلولهای مویی، حسی پوشیده شده است و یک ساختار ژلاتینی بنام Cupula به صورت یک غشاء ضخیم از سطح کریستال به بالای آمپول گسترده شده

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

است بنابراین کریستا و سرپوش ژلاتینی آن کوپولا به صورت یک دیافراگم البته
بصورت نامنظم در مقابل ظاهر شدن مایع در داخل کانال عمل می کند.

www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com
www.kandoo.cn.com

سنگریزه های شنوایی

سنگریزه های شنوایی مانند کیسه های کوچکی هستند که شامل توده فشرده ای از اشکال مختلف ترکیبات صدفی کلسیم به صورت کریستال می باشند مهره داران غیر غضروفی دارای سنگریزه های شنوایی هستند که شامل مجموعه خیمه مانندی از کریستالهای کوچک بنام Stato Conia, Oto Conia می باشند و در یک زمینه کلاژنی قرار دارد. در مقایسه با Ray-Finned Fish ماهیان استخوانی دارای زمینه کریستالی هستند که دارای سطح ناصاف است و با فرورفتگی و برجستگی های زیادی مشخص می شود که این ساختارهای مضرس دقیقاً اتولیت نامیده می شود.

سنگریزه های شنوایی دارای غشاء حسی هستند که بصورت لکه هایی روی دیواره کیسه قرار گرفته است و توده اتولیتی نزدیک غشاء حسی قرار دارد، به صورت یک جفت مکانیکی به هم متصل است که این اتصال بوسیله صفحات ژلاتینی که غشاء شنوایی نامیده می شد صورت می گیرد.

قابلیت کشش، حالت ارتجاعی غشاء شنوایی، آندولنف و سطح اپتیلیان که شامل مجموعه های مژگانی است مهمترین پارامترها در پاسخگویی به واکنش ها هستند.

اتریکول دارای منطقه ای است که در آن برضخامت غشاء حسی افزوده می شود و سلولها بزرگترند، این منطقه تشکیل نوارهای برجسته ای بنام Striola می دهد که در قسمت پشتی - جانبی Macula قرار دارد. سایر قسمت های غشاء حسی هم ممکن است از این مناطق استریولاری را نشان دهد. سلولهایی که در این منطقه اند دارای مجموعه های

مژگانی متفاوت با قسمت های حاشیه ای هستند. Macula Neglecta معمای گوش داخلی است و اولین بار بوسیله Retzius در سال ۱۸۸۱ کشف شد. اندازه ساختمان و موقعیت آن در گونه های مختلف فرق می کند. امروزه شخص شده که Neglecta دارای یک یا دو برآمدگی حسی اند که بوسیله غشاء ژلاتینی کوپولا مانندی پوشیده شده است. در Elasmobranch، Neglecta بسیار بزرگ بوده و بعنوان اندام شنوایی مورد توجه است ولی در ماهیان استخوانی بسیار ریز است.

مجموعه مژگانی

بررسی غشاء حسی ارگانهای گوش داخلی بوسیله پرتونگاری با الکترون یا (SEM) تغییرپذیری اساسی را در شکل این مجموعه ها آشکار می کند. براساس پیشنهاد های مختلف اندازه های متفاوتی برای این مجموعه ها وجود دارد. و این مجموعه ها با طول های متفاوت در مناطق مختلف اپتیلیا واقع شده اند. بلندترین مژه به اندازه صد میلی میکرون در سلولهای حس کریستا در مجاور نیم دایره پیدا می شود و بخوبی تا بالای سرپوش کوپولا گسترش دارند.

ارگانهای شنوایی و مجموعه های مژگانی در ماهیان دارای سه شکل عمده هستند هستند

و به نام های F_3 , F_2 , F_1

نوع F_1 ، مجموعه های مژگانی دارای Kinocilia هستند که از نظر اندازه مقدار خیلی کمی از بلندترین Stereo cilia بلندتر است؛ که طول آن به ۶-۵ میلی میکرون می رسد. مجموعه های F_1 اغلب در مناطق مرکزی اپتیلیال ساکولار در بسیاری از ماهیان دیده می شود و در بعضی از گونه ها در منطقه استریولار اتریکول و همچنین لاگنا وجود دارد. نوع F_2 دارای Kinocilia بلندتر حدود ۱۵ میلی میکرون Stereo cilia کوتاه هستند و بیشتر در حاشیه اپتیلیای حسی یافت می شود.

نوع F_3 شبیه به F_1 است، اما بلندی آنها به ۸ میلی میکرون می رسد و در حاشیه داخلی اپتیلیای حسی یافت می شود و بیشترین گروه مجموعه های انتهایی Saccula Macula را در استاریوفیزیها تشکیل می دهد.

هنوز عمل این سه گروه که دارای طولهای متفاوتی اند مشخص نشده است. در پرندگان و خزندگان مناطقی که مژه های بلندتر دارند به امواجی با بسامدهای کوتاه پاسخ می دهند و گروههایی که مژه های کوتاه تر دارند بسامدهای بلندتر را پاسخ می دهند. براساس آزمایشات، یک همبستگی بین نورونهای آوران، سلولهای شنوایی و مناطق مختلف ساکولار، را در ماهی Gold Fish با اسم علمی carrassius auratus نشان می دهد و همچنین براساس آزمایشات سلولهای شنوایی از مناطق مختلف ساکولار در استاریوفیزیها به بسامدهای مختلف پاسخ می دهد. از آنجائیکه مجموعه های مژگانی مضرس قویاً کوتاهتر از مناطق پشتی هستند، در نتیجه این کوتاهی با پاسخ دادن به فرکانس های مختلف مرتبط می شود. به هر حال نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتر در مورد ارتباط ثابتی که بین فرکانس و طول مجموعه وجود دارد می باشد.

الگوهای جهت یابی سلولهای شنوایی

سلولهای واقع در مناطق حسی یک جهت یابی مونولوژیکی مشترک را ارائه می دهند که دارای اهمیت زیادی در هدایت های مربوط به احساس است.

نقشه های جهت یابی امروزه برای گونه های وسیعی از ماهیان مختلف مثل بی فک ها یا Agnata و بشقاب آبششان یا Elasmobranchi و ماهیان استخوانی شناخته شده است.

ضمائم مجاری نیم دایره دارای بیشتری الگوهای دائمی هستند و تنوع آنها در بین مهره داران فک دار یا Gnatostomata هنوز شناخته نشده است. تمام دسته های مژگانی واقع

در کریستا به سمت محور اصلی کانال جهت دار می شوند. در کریستای کانالهای افقی

جهت یابی به سمت اتریکول است درحالیکه در کانالهای قدامی و عقبی جهت یابی دورتر از اتریکول است.

در ارگانهای شنوایی، سلولها به سمت داخل تدریجاً متمایل می شوند که درمحل در اطراف circular macula است و بتدریج از سمت جلو به سمت کناره ها تغییر جهت می یابند. اما همه این سلولها به عنوان یک گروه جهت دار مورد توجه واقع نشده اند.

اتریکول دارای الگوهای پایدار جهت یافته است که در ماهیان استخوانی به خوبی ظاهر

شده است. اگر چه این استحکام در Elasmobranchi کمتر به نظر می رسد، در ماهیان

استخوانی و بیشتر چهارپایان سلولهایی با الگوهای برعکس وجود دارد که به دو گروه

تقسیم می شوند و بسمت یکدیگر متمایل می شوند. از آنجائیکه Ultricular macula به

سطح افقی واقع است این جهت یابی ها به صورت جلویی - عقبی و جانبی - میانی می باشد.

الگوهای لاگناهم در ماهیان استخوانی شبیه به وضعیت اتریکول است. معمولاً دو دسته سلولهای شنوائی جهت دار به وسیله یک خط تقسیم کننده جدا می شوند و دارای جهت یابی غالب در سمت خلفی - شکمی هستند.

معمولاً قسمت اعظم سلولهای ماکولا به سمت حاشیه داخلی جهت دار می شوند. بنابراین در مرز جداکننده جهت یابی به سمت یکدیگر است. به هر حال وجود منطقه ای که در آن جهت یابی های متضاد بیشتر موازی باشند تا به حال روبروی هم زیاد رایج نیست. از نظر تنوع ساکولوس بیشتر از اتریکول و لاگنا، متنوع است. معمولاً جهت یابی های رایج بصورت جلویی - خلفی یا پشتی - شکمی است. ولی گاهی الگوهای پیچیده تری هم دارد.

رایج ترین الگوی جهت یابی در ماهیان استخوانی (در ساکولوس) الگوی استاندارد است که دارای چهارنوع جهت یابی در دو گروه از سلولهای شنوائی که در جهت مخالف هم قرار گرفته اند، می باشد و ماکولا را به چهار قسمت نابرابر تقسیم می کند. در قسمت جلویی آن نصف سلولها به سمت عقب جهت دار می شوند. مادامیکه در بخش شکمی نصف سلولها به سمت جلو جهت دار می شوند در قسمت انتهایی نصف سلولها به همانطرف پشت جهت دار می شوند که این قاعده در مورد سلولهای بخش شکمی البته

نصف آنها صدق می کند. الگوی استاندارد در همه راسته های ماهیان استخوانی بصورت واقعی وجود دارد به جز راسته استریوفیزیها.

الگوهای دیگری به صورت های مختلفی هستند، الگوهای موازی فقط دو گروه جهت دارد، که یکی به سمت پشت و دیگری به سمت شکم متمایل می شوند. در میان ماهیان استخوانی الگوهای فوق دومین گونه های آزمایش شده مثل راسته استاریوفیزیها پاسخ داده است. البته به خوبی در Mormyrid هم که از راسته Osteo glossiform هستند پاسخ می دهند.

یکی از اقسام الگوهای موازی بنام Curved Vertical یا مدل منحنی های موازی در بین تمام ماهیان استخوانی و غضروفی وجود دارد. در این مدل فقط در گروه سلولهای شنوایی جهت دار وجود دارد که به سمت خارج از مرکز جهت یابی می کنند. در قسمت عقبی دارای جهت یابی پشتی - شکمی هستند و سلولهای انتهایی در حاشیه اپی تلیوم به حالت جلویی - عقبی جهت دار می شوند.

تفاوت های سلول های شنوایی

بررسی های انجام شده بوسیله انتقال الکترون بصورت میکروسکوپی بر ساختارهای فوقانی گوش داخلی دو گروه سلولهای شنوایی را در مهره داران به نامهای Type II, Type I را مشخص می کند. که در بی مهرگان احتمال اینکه فقط سلولهای نوع دوم موجود باشد زیاد است. اما مطالعات اخیر نشان داده که ماهی اسکار علاوه بر سلول های نوع دوم یکسری سلولهایی دارند که شبیه سلولهای نوع اول است. اما کمی تغییر یافته است. اطلاعات در مورد تفاوت های فیزیولوژیکی سلولهای شنوایی حسی در ماهیان در ارتباط با هم Osanustau یا toad fish می باشد که نشان می دهد در بین کانالهای انتقال یون از سلولهای حسی - شنوایی ماکولا تفاوت هایی وجود دارد. این اطلاعات همراه با مشاهده حلقه های مژگانی از لحاظ مرفولوژیکی نشان دهنده تفاوت هایی بین مناطق مختلف (اپیتلیال ساکولوس اتریکول لاگنا است و اذعان می کند که این مناطق هر یک وظیفه ای متفاوت از دیگری بر عهده دارند.

امکان اینکه سلولهای مختلف به واکنش های مختلفی پاسخ دهند یا به قسمت های مختلف یک تحرک پاسخ می دهند مثل بسامدهای مختلف یک تحریک صوتی، به این معنی است که عملاً اندامهای شنوایی داخلی در ماهیان احتمالاً بسیار پیچیده تر از ماهیان اولیه باشد.

ساختارهای کمکی شنوایی و ویژگی های آن ها

یک مکانیسم، حساسیت به صداهای زیر آب را با به کاربردن یک فضای فشرده یا حباب های گاز افزایش می دهد. چون فشاریکه توسط امواج صوتی در زیر آب تولید می شود حجم گازی را که می تواند با تغییر مکان به عنوان یک محرک برای گوش داخلی محسوب شود را تغییر دهد.

کیسه شنا در ماهیان استخوانی در حفره شکلی قرار گرفته و کاربردهای مختلفی را در زمینه هیدوردینامیک، تولید صدا و شنوایی بعهده دارد. اطلاعات واقعی در مورد شرکت کردن کیسه شنا در امر شنوایی کم است. اما مطالعات اندکی حاکی از آن است که برداشتن کیسه شنا در حس شنوایی اختلال ایجاد می کند. و چنانچه به گونه هایی که کیسه شنا ندارند در نزدیکی سر یک کیسه شنا اضافه شود میزان حساسیت آنها را افزایش می دهد.

در راسته استاریوفیزیها یک سری استخوان بنام استخوانچه های ویبر به صورت فیزیکی قسمت انتهایی کیسه شنا را با سیستم متحرک گوش داخلی در قسمت میانی منتقل می کند. اگر چه هرگز به صورت تجربی آزمایش نشده است اما پیشنهاد می شود حرکت دیواره های کیسه شنا از طریق استخوانچه های ویبر به قسمت محرک گوش داخلی انتقال می یابد. ماهیانی که دارای استخوانچه های ویبر هستند. دامنه های وسیع تری از بسامدها را آشکار می کنند و حساسیت بهتری نسبت به ماهیانی که فاقد استخوانچه هستند نشان می دهند. برداشتن استخوانچه سبب کاهش حساسیت می شود. اگر چه در مورد

حرکت استخوانچه ها هنوز اطلاعی بدست نیامده است. شکل دوم سازگاری کار برآمدگیهای جلویی کیسه شناست که جهت انتقال مستقیم حرکات به گوش بکار می رود. این قسمت در بیشتر گونه ها وجود دارد. در بعضی از موش ماهیان بخش جلویی کیسه شنا به دیواره ساکولوس خاتمه می یابد و این گونه ها بهتر از گونه هایی که فاقد این ساختارند ساختاری مشابه هم در شگ ماهیان وجود دارد. که برآمدگی های جلویی کیسه شنا به قمست هایی از اتریکول می رسد، این فرضیه را ثابت می کند که اتریکول هم بعنوان یک عضو شنوایی در این گونه ها به کار می رود. ویژگی سوم جهت افزایش شنوایی حضور حباب های گاز در سرو ارتباط آن با گوش است. این حباب ها در mormiryd ها که بهترین شنوایی را دارند وجود دارد.

آناتومی خط جانبی

دو ساختار متفاوت از گیرنده های فیزیکی خط جانبی عبارتند از:

۱- Free neuromats توده عصبی آزاد و ۲- canal neuro masts که کانالهای عصبی اند می باشد.

نوع اول روی پوست تشکیل خط ها یا گره هایی را می دهد که اصطلاحاً stitches نامیده می شود. و نوع دوم هم شبیه کیسه هایی هستند اما در زیر پوست قرار دارند. نئورومستها دارای سلولهای حسی هستند که در دو قطب مخالف جهت یافته اند. سلولهای حسی خط جانبی اغلب از نظر اندازه متنوع تر از مجموعه های مژگانی هستند. اما هنوز واضح نیست که دارای تقسیم بندی هایی مثل سلولهای گوش هستند یا خیر. ساختار بافت های ضمیمه برای گیرنده های فیزیکی خط جانبی بسیار مهم است. برای مثال شکل و اندازه کوپولا تفاوت های قابل توجهی را دارد و بستگی به محل قرار گرفتن نئورومستها در بدن و نوع گونه دارد. سرپوش کانالهای عصبی ممکن است مدور و یا بصورت کانالهای بلندی باشد که بعضی اوقات شبیه به تیرهای بلندی است. که محورهای آن موازی محورهای کانال است. کانالها همچنین دارای روزنه های متعددی به سمت آب هستند. اما رایج ترین وضعیت داشتن خلل و فرج در فواصل منظم است. خط جانبی به صورت اشکال ساده تا انواع پیچیده در گونه های متفاوت وجود دارد و اغلب سه کانال عمده و یک مخزن کانال به قسمت کناری وجود دارد که گاهی این مخزن خیلی کوتاه است و گاهی تا باله دمی گسترش می یابد. قطر کانالها خیلی گسترده است و گاهی تا

۷mm می رسد و سرپوش کانالها ممکن است نسبتاً بزرگ یا کاملاً صاف باشد. از نظر اندازه هم معمولاً دامنه وسیعی را می پوشاند.

برآمدگیهای مرکزی مربوط به نرونهایی که در شنوایی دخالت دارند، عقده های عصبی از سلول های حسی ۸ نرون مربوط به خط جانبی با نرونهایی که در شنوایی دخالت دارند سیناپس می دهد که در ماهیان غضروفی و استخوانی مشاهده می شود این هسته های شنوایی از ستونهای طولی که به صورت ناهموار از سطح بالای مخچه تا نزدیک سطح نرونهای vagus ادامه یافته اند

اطلاعات اولیه حاکی از آنست که عصبهای خط جانبی شاخه هایی از اعصاب شماره ۷ و ۹ جمجمه ای می باشند. اما امروزه می دانیم که این اعصاب از اعصاب حسی جمجمه ای هستند که در مهره داران آبرزی منحصر به فرد می باشند.

راههای ورودی و خروجی شنوایی

قسمت عمده ای از پایه های شکمی دارای ۴ یا ۵ هسته داخلی هستند که از کریستا مجاری نیم دایره اطلاعات را دریافت و آن را بصورت داده های ورودی و خروجی شنوایی ارائه می دهند.

به نظر می رسد که یک طبقه بندی عملی در مغز بین داده های شنوایی از لحاظ داخلی بودن یا خارجی بودن وجود دارد. که این تقسیم بندی به سؤالاتی در مورد فیزیولوژی گوش می تواند پاسخ دهد. سؤالاتی مثل اینکه ماهیان چگونه می توانند علائم جنبشی را از علائم جاذبه ای و کششی تشخیص دهند. پیام های مجاری نیم دایره و اتریکول بیشتر به هسته های شکمی ختم می شود و پیام های ساکولوس و لاگنا هم به قسمت های پشتی این هسته ها ختم می شود. هم پوشانی بین پیام ها و امکان چند کاره بودن اندامهای داخلی سؤالات را مشکل تر می کند.

از مروزلا هسته های داخلی به سمت مخچه و مغز میانی می رود. به نظر می رسد که اطلاعات شنوایی از طریق راههایی از ستونهای داخلی به torus (استخوان یا قطعه ای از یک تاج عضله، گونه، گوش، از مغز منتقل می شود).

گیرنده های مکانیکی خط جانبی

هسته این گیرنده ها در بالای ستونهای داخلی واقع شده و به صورت جلویی - عقبی قرار گرفته است. داده ها را از نرونهای خط بالایی دریافت می کند. در ماهیان استخوانی ردیف گیرنده های مکانیکی به بخش های پشتی - جلویی تقسیم می شوند و دو هسته دارد که هر دو پیام های خط جانبی را می گیرند.

سیستم وایبران

گوش و خط جانبی ماهیان پیام های وایبران را از هسته های شنوایی واقع در مرولا دریافت می کنند. نرونهای عمل کننده در گوش و خط جانبی در این هسته ها با هم آمیخته شده و براساس اطلاعات موجود هر کدام از نرونها وایبران هم برای گوش داخلی و هم برای خط جانبی مشترک است. هنوز مشخص نیست که آیا سلولهای شنوایی در تمام ارگانهای داخلی داده های وایبران یا بازگشت شده را دریافت می کنند و همچنین نقش این سیستم هنوز بطور واضح معلوم نیست. این سیستم به صورت تعدیل کننده عکس العمل سلولهای شنوایی ویا نرونهای وایبران و ارگانهای داخلی مختلف عمل می کند. برای مثال تحریک سیستم وایبران عکس العمل های بدست آمده از نیروهای هدایت کننده در ماهیانی مثل Gold fish را تعدیل می کنند. و همچنین ممکن است تحریک سیستم عکس العمل های خط جانبی را هم اصلاح کند.

رفتار ماهیان و سیستم تعادل

ماهیان در یک دنیای کاملاً سه بعدی حرکت می کنند و سیستم تعادل و همچنین شنوایی اطلاعات لازم را کنترل رفتار حرکت، و ایجاد بینایی را فراهم می کند. برای بیشتر ماهیان در حالت طبیعی سروتنه توسط محور افقی، جلویی - پشتی و محور عمودی، پشتی - شکمی و نیروی جاذبه و چند استثناء دیگر نگهداشته می شود. اینکه قسمت های اصلی گوش در کنترل کیفی و حرکت لازمند یک موضوع قابل بحث است. ارزیابی داده های شنوایی، با اکتشاف فنر dorsal light reflen کاملاً آسان شد. بسیاری از ماهیان وقتی در معرض یک نور شدید قرار می گیرند که از یک طرف می تابند، یک حالت یکطرفه با چرخش به سمت نور اتخاذ می کنند که این حالت زمانی اتفاق می افتد که اثر نور در کج شدن ماهی دقیقاً بوسیله نیروی جاذبه ای که ماهی را به موقعیت صحیح برمی گرداند متعادل می شود با استفاده از اطلاعات داخلی در مورد هر کدام از ارگانهای گوش و در سانتیفرهای بالا می توان به نیروهایی دست یافت که در طول غشاء حسی به صورت یکطرفه درآمده اند که جهت پاسخگویی به واکنش های مناسب می باشند اتریکول به عنوان یکی از ارگانهای اصلی جهت کنترل کیفی در بعضی از ماهیان آب شیرین کپور ماهیان و سایر ماهیان مثل فرشته ماهیان و تتراس می باشد. لاگنا هم تقریباً بهمین صورت می باشد اما در مورد ساکولوس ظاهراً کمتر در این واکنش ها شرکت می کند. اتریکول و مجاری نیم دایره در کنترل های حرکتی شرکت می کنند. وقتی که مجاری نیم دایره و اتریکول برداشته شوند عدم تعادل در شنا کردن کاملاً مشخص است. و برداشتن

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

لایبرنتها هم می تواند عدم متقارن بودن رفتار را به دنبال داشته باشد. که باید این عوارض
سریعاً جبران شود.

پایداری بینایی

سیستم VOR یا Vestibulo-ocular-reflex است. در چرخش سر از یک سمت به سمت مجاری نیم دایره افقی تحریک می شوند. تحریکات به هردو چشم وارد شده و حرکات به هم آمیخته در خلاف جهت حرکت سر توسط چشم ها انجام می گیرد. که جهت نگاه را ثابت می دارد. نکته حائز اهمیت این است که سه کانال بیشتر بوسیله حرکات سر تحریک می شوند و حرکات چشم به ندرت دخالت دارند مگر توسط یک جفت ماهیچه از ماهیچه های چشم این دخالت صورت می گیرد.

ارتباط شنوایی: صوت

(تولید و عملکرد)

ارتباطات شنوایی به خوبی در بسیاری از ماهیان کشف شده است. همانطور که توسط یکی از دانشمندان به اسم «تاولوگا» در سال ۱۹۷۷ شرح داده شد. صوت یک راه بسیار مفید برای ارتباطات زیر آب است. از آنجائیکه علائم صوتی تحت تأثیر تاریکی محیط قرار نمی گیرد، بسیار سریع مسافت ها را طی می کنند، سریعاً جهت یابی می کنند و بوسیله صخره های مرجانی به هم زده نمی شوند. پس برای ارتباط در بسیاری از گونه ها مهم هستند. اثرات فرعی بعضی از حرکات مثل تغذیه هم می تواند تولید صوت کند.

مکانیسم تولید صدا

در بسیاری از گونه ها اصوات بصورت مؤثر تولید نمی شود، اگر چه مکانیسم تولید و عملکرد آن در گونه های مختلف متفاوت است. گاهی توسط دندانهای حلقی و یا قسمت های سخت بدن صداهای گوش خراش و یا خش خشمانندی تولید می شود و گاهی کاربرد مستقیم و غیرمستقیم کیسه شنا تولید صوت می کنند. برداشتن کیسه شنا اثر قابل توجهی در از دست دادن صدا دارد. بنابراین آنچه گفته شد سیستم کیسه شنا، اصوات را در اثر حرکت اجزاء بدن و یا ماهیچه هایی که در تماس با کیسه شنا هستند تولید می کنند که این ماهیچه ها باعث تشدید صوت می شود. برای مثال در بعضی از گربه ماهیان دریایی یکی از ماهیچه های سر با یک حالت جهش مانند باعث حرکت کیسه شنا میشود. تولید صدا در ماهیچه های کیسه شنا ممکن است بصورت فطری باشد مثلاً در Toad fish ماهیچه های روی کیسه شنا و انقباض آنها پایه های فرکانس های صوتی را تشکیل می دهد.

مثال هایی - از ارتباطات صوتی

صداهایی که توسط ماهیان تولید می شود کاملاً متفاوت است و بسته به گونه آنها فرق می کند. هرگونه ممکن است بیش از یک صدا تولید کند. بعضی از صداها شبیه انفجارهای قوی ولی کوتاه هستند و اکثراً حالت بم دارند، از بهترین مثالها برای صدای تولیدی در ماهیها می توان به Toad fish اشاره کرد. درجائیکه نرها و ماده ها به صورت غریزی یک صدای جیرجیر مانند را توسط کیسه شنا تولید می کنند. که درطول زمان تخمیزی، نرها تولید یک صدای طولانی و شدید می کند که شبیه به صوت قایق است. که از فواصل زیاد هم شنیده می شود و مادهها بوسیله این صدا هدایت شده و توسط نرها جذب می شوند.

شاید اطلاعات خوبی درمورد کاربرد صوت در رفتار ماهیان کفزی وجود دارد. بعضی از گونه ها روی صخره ها به سر می برند. صوت را برای دفاع از قلمرو خود به کار می برند. هرگونه ای صدایی دارد که در فرکانس، درصد پالس ها و تکرار آن متفاوت است.

خط جانبی در رفتار

چنین به نظر می رسد که خط جانبی در اثرات هیدرودینامیکی متقابل مربوط به گیرنده هایی که در طول بدن هستند در مسافت های کوتاه نقش دارند. در مورد ماهیان غارتگر خط جانبی برای کمین کردن در روز جهت شکار و همچنین تقویت گیرنده های شیمیایی در آب های تاریک یعنی جایی که حس بینایی کاربرد ندارد مفید است. بیشتر ارگانهای خط جانبی که تا بحال مطالعه شده است در ماهی ها به فرکانس هایی در دامنه ۱۰-۲۰۰ هرتز حساسیت نشان می دهد. که پائین تر از بهترین حد حساسیت برای ارگانهای صوتی شنوایی است. در این پائین ترین حد، نیروی هیدرودینامیکی آشکار شده بوسیله خط جانبی، با نیروهایی که می توانند باعث تسریع در حرکت تمان بدن شوند و از گوش داخلی آزاد می شود، همپوشانی دارد.

در مقایسه با شنوایی اصطلاح Srening جهت فرضیه ای که برای درک احساس توسط خط جانبی به کار می رود، رایج شده است.

تغذیه

مطالعات نشان می دهد که ماهیان غارتگر و هم ماهیانی که شکار می شوند از داده های خط جانبی استفاده می کنند. یک نوع خورشید ماهی به صورت عادی به غذای طبیعی و یا مصنوعی حمله می کند. که اینها در تاریکی ناتوانند همچنین اگر عمل خط جانبی متوقف شود توانائیهای خط جانبی در مورد ماهیان زئوپلانکتون خوار آشکار خواهد شد. بعضی از ماهیان که از غذای سطح آب استفاده می کنند جهت آشکار کردن امواج سطحی از خط جانبی استفاده می کنند. همچنین خط جانبی در مورد زدن ضربه های مهلک به تمام شکارهای موجود در یک منطقه که ممکن است حتی توسط شکارچی مورد استفاده قرار نگیرد به کار می رود.

اجتماعات

اطلاعات خط جانبی در حفظ و بقای ساختار ماهیان موثر است. حفظ موقعیت و سرعت نسبت به نزدیک ترین همسایه نیاز به یک دید مرکب دارد. اما یک سری از آزمایشات روی ماهیانی که فاقد بینایی اند و یا عصب های خط جانبی آنها قطع شده انجام گرفته که دلیل بر کاربرد بخش عقبی خط جانبی در حفظ ساختارهای جمعیتی دارد. البته هنوز تعمیم این نتایج به اجتماعات ماهیانی که فاقد این بخش خلفی خط جانبی اند مثل شگک ماهیان کار دشواری است.

عمل سیستم داخلی شنوایی و تعادل

عمل سیستم Octavolatoralis

همانطور که بحث شد عمل اصلی Vestibular system تنظیم جهت یابی بدن است که شامل کنترل وضعیت زمانی که در زمان حرکت و انتقال نسبتاً ثابت است، می باشد. گذشته از کنترل جهت و موقعیت صحیح که در بیشتر ماهیان مشاهده می شود، موارد کمی هم در مورد وضعیت های غیر طبیعی مطالعه شده است.

ماهیان پهن که در حالت نوزادی تغییر شکل می دهند به یک طرف بدن شنا می کنند. یکی از چشم ها در عرض سر حرکت کرده و یک طرف صورت را به حالت کور و فاقد بینایی به جا می گذارد که به طرف بستر است زمانیکه قسمت بینا در بالاترین قسمت بدن است؛ سیستم Vestibular با جهت ماهی تغییر نمی کند ولی عمل آن حول یک زاویه ۹۰ درجه به جهت سایر ماهیان می چرخد. مطالعات رفتاری نشان می دهد که جای ساکولوس و اتریکول که مهمترین سنگریزه شنوایی در کنترل وضعیت است، عوض می شود. بررسی آاناتامیک نشان می دهد یک چرخش مرکزی برای VOR است که در ماهیان پهن نسبت به سایر مهره داران تغییر یافته تر می باشد. پس ماهیان پهن در حالت نوزادی به صورت عمده جهت کنترل وضعیت وابسته به نرون های عصبی هستند تا به محیط خارج.

مورد دوم مربوط به وضعیت معکوس و وارونگی بعضی از گربه ماهیان است. این ماهی معمولاً با قسمت پشتی بدن در آب های آزاد شنا می کند و از مواد معلق گیاهی ریز در

آب تغذیه می کند. وقتی به کف و یا دیواره های عمودی نزدیک می شود قسمت شکمی را به زیر میچرخاند. این گونه هیچ وضعیت و ساختار غیرعادی و نامحسوسی را در گوش داخلی نشان نمی دهد. اما تصور براین است که رفتار غیرعادی مربوط به پدیده های مرکزی است.

بعضی از ماهیان مثل تترا وضعیت های خاصی را دارند که به آنها head-standers و یا tail standers می گویند. اینها در چرخش بدن به سمت بالا و پایین تا زاویه ۳۰ درجه یک حالت عادی دارند.

بسیاری از آنها پیشرفتگی خاصی در سیستم Vestibular ندارند یک گونه از tailstanders ها به نام پنگوئن ماهی دارای اتریکولی است که غشاء حسی آن زمانی که ماهی در یک سطح تراز است بیشترین همواری را دارد. که تمام این حالات همچنانکه شرح داده شد به خاطر پدیده های مرکزی است.

مطالعات فیزیولوژیکی به روی عمل Vestibular حاکی از آن است که ماهیان غضروفی یک وضعیت ثابتی جهت تخلیه اطلاعات نرون های آوران دارند که با تغییر مقدار نیروهای افزایش درجهت مخصوص برای مجاری نیم دایره و ارگان های شنوایی آشکار می شود.

درحال حاضر مشخص شده که کوپولا و کریستای هریک از مجاری نیم دایره مثل یک دایره مثل یک آونگ عمل می کند.

آزمایش هایی که روی مجاری نیم دایره در ماهیان استخوانی انجام شده اطلاعاتی را در مورد سه نوع از فعالیت های آوران که منبع آن در صورت است و با محرک های سینوسی

ارتباط تنگاتنگ دارد می دهد. که دونوع آن نسبت به حرکات سر حساس است و یک نوع آن نسبت به شتاب.

واحدهای حساس به سرعت یک گروه ترشخی هستند که سلولهای آن بصورت منظم است و دارای قدرت پائینی هستند و گروه بندی بصورت نامنظم است و قدرت بالایی را نشان می دهند. محرک های سیستم و ابران سبب افزایش درصد تخلیه و کاهش حساسیت سیستم آوران می شود.

مطالعات کمی بر روی اصلی ترین رشته های آوران جهت آزمایش پاسخ به گستردگی ارگانهای شنوایی انجام شده که با مطالعات وسیعی که بر روی رشته های انجام شده مغایرت داشته که در gold fish صورت گرفته است. مطالعات دیگری هم در مورد حالاتی که سر را نسبت به اشعه عایق می کنند در یک نوع سفره ماهی Raja clavata صورت گرفته است که نشان دهنده واحدهای تخصیص یافته برای موقعیت و تغییر موقعیت و ارتعاشات حتی در درون یک ارگان داخلی می باشد. بسیاری از تحقیقات اخیر در ماهیان غضروفی حاکی از وجود کیفیت های مضاعف در پاسخ به گستردگی ارتعاشات است. ماهیان پهن ظاهراً تنها ماهیان استخوانی هستند که در آنها واکنش های اصلی آوران به صورت گسترده گزارش شده است اگر چه این حالت در آنها مخصوص است اما پاسخی محیطی نشان دهنده یک شباهت پایه ای به ماهیان غضروفی است.

شنوایی

براساس مطالعات سبب شناسی بسیاری از گونه های ماهیان توانایی آشکارسازی اصوات را دارند البته در این مطالعات در مورد محدودیتهای شنوایی و تفاوت های آن به ندرت یاد شده است. به جای آن اطلاعات گسترده ای در مورد کاربردهای مختلف نمونه ها در مورد اینکه ضرورتاً ماهی ها چه چیزهایی را می شنوند وجود دارد.

ماهی ها چگونه می شنوند؟

صوت در آب ها دارای چندین خصوصیت مهم و ویژه از فشار و انتشار است که در منبع صوت به صورت واضح نیست. در هوایی که کاملاً فشرده شده انتشار اصوات زمانیکه در یک فاصله کوتاه از منبع، پخش شده و رقیق می شوند، خیلی ناچیز است. آب نسبت به هوا تراکم کمتری دارد در نتیجه رقت صوت به اندازه هوا نیست و انتشار صوت در یک فاصله گسترده از چندین طول موج تا منبع صوت باقی می ماند. و کم شدن آن به فرکانس های آن بستگی دارد. از آنجائیکه سرعت صوت در آب ۱۵۰۰ متر بر ثانیه است. طول موج هایی با سیگنالهای ۱۰۰HZ در ۱۵ متری آشکار می شود. بنابراین در فرکانس های پائین انتشار اصوات ممکن است برای ماهی که چندین متر دورتر از منبع است آشکار شود.

بسیاری از محققان در مورد حوزه های صوتی نزدیک و دور بحث می کنند در نوع نزدیک ذرات متحرک عمودی اند و اجزاء جهت یافته اند که شامل جریانهای هیدودینامیکی از آب است که در اثر جنبش های منبع، بوجود آمده است و حوزه های صوتی دور فقط جنبش های منبع، بوجود آمده است و حوزه های صوتی دور فقط جنبش ملکول هاست که توأم با فشار است. نکته قابل توجه اینست که اجزاء حوزه های دور و نزدیک نمی توانند به صورت ناگهانی تغییر کنند. ولی بعضی از ماهیها ممکن است نسبت بر جنبش های مکانیکی حساس باشند و بعضی هم برعکس هیچگونه عکس العملی نشان ندهند. از آنجائیکه نظرات قدیمی برای اینکه ماهی توانایی ایجاد عکس العمل در حوزه های دور و نزدیک را دارد توسط Van Bergeijk توصیف شده اما این نظریه ربطی به اینکه ماهی در فواصل مختلف

از منبع صوت هم توان شنوایی دارد و یا نه، ندارد. اهمیت حضور فشار و جنبش های ذره ای برای یک ماهی در گونه های مختلف که می توانند برای هردو صورت انرژی مصرف کنند و همچنین در رفتارهای ماهی دخالت دارند بسیار مهم است. درحقیقت ماهی ها از دو راه متفاوت می توانند به صوت پاسخ دهند که راههای مستقیم و غیرمستقیم نام دارد. که راه مستقیم جهت آشکارسازی اجزاء متحرکی که در طول تحریک مستقیماً وارد گوش داخلی شده می باشند و از آنجائیکه بدن ماهی نسبتاً هادی می باشد. چگالی بدن ماهی هم با چگالی آب یکسان است پس بدن درطول حفره های صوتی همراه با توده آب حرکت می کند. بهر حال سنگریزه ها نسبت به سایر قسمت بدن چگالتر هستند و تقریباً امواج صوت به سطح بدن و گوش داخلی وارد می شوند. این حرکت های مختلف نتیجه تقسیم فعالیت سیلیا و سلولهای حسی - شنوایی و تحریک گوش است.

روش مستقیم تصور می شود که در بیشتر گونه ها موثر است و اثرات آن در تمام ارگانهای داخلی شنوایی آشکار است. بهر حال ماهی ها از روش مستقیم در آشکارسازی صوت فقط برای امواج کمتر از صد هرتز و با حساسیت نسبتاً کم بکار می برند. گونه هایی که فقط روش غیرمستقیم را بکار می برند ماهیانی اند که کیسه شنا ندارند. روش غیرمستقیم شامل پاسخ دادن به اجزاء فشار امواج صوتی است، فشار نمی تواند گوش داخلی را مستقیماً تحریک کند ولی حباب های گازی شکل را در هنگام حرکت بوجود می آورد که شبیه کیسه شنا است. حباب های گاز بصورت یک منبع بازتاب انرژی هستند که سبب ایجاد حوزه های دور و نزدیک مربوط و خود می شوند. اگر حباب های گاز نزدیک بدن باشد و

یا به گوش متصل شود، که یکمقدار کمی از اجزاء متحرک که توانایی انتقال حرکات اتولیت به غشاء حسی می شود را فعال می کند. بدون اینکه اتصال انرژی حباب های گازی به سرعت از دست رفته و نمی تواند گوش داخلی را تحریک کند.

ماهیانی که دارای ویژگی های اتصال صوتی حباب های گاز به گوش داخلی هستند. "hearing specialist" نامیده می شوند و بسیار از ماهیان دیگر حساس ترند و آنهایی که فاقد اتصال اند را "non-specialist" می نامند گروه اول استاریوفیزها هستند که در آنها کیسه شنا از طریق استخوانهای ویبر به گوش داخلی متصل می شوند. این سؤال وجود دارد که آیا لاگنا در استاریوفیزها گونه هایی که اتصال صوتی را بکار می برند شامل بعضی از squirrel fish و جنس و گونه Myripristis kuntee است. گونه دیگر برآمدگی های جلویی کیسه شنا که به دیواره ساکولوس متصل است و بهتر از Carassius می شنود سایر specialist ها مثل anapantiale دارای حباب های گازی نزدیک به گوش به جز کیسه شنا هستند.

اطلاعات دقیق آستانه ای

اطلاعات آستانه ای بوسیله Fay خلاصه شده است. اطلاعات کمی در مورد فرکانس های زیر ۵۰ Hz وجود دارد.

چون عموماً این پائین ترین حد فرکانسی است که می توان براحتی برای آزمایشات رفتاری تولید کرد.

Gold fish گونه ای است که مطالعات وسیعی روی شنوایی آن انجام شده است و توانسته امواج زیر ۵۰ Hz تا ۳۰۰۰ Hz آشکار کند. اطلاعات دیگری هم در مورد سایر استاریوفیزهای وجود دارد (اگرچه برای گونه های محدود). حساسیت نسبت به امواج بم برای تعدادی Hearing –specilist ها وجود دارد. مثل Myriprstis و برعکس none- specialiot ها توانایی شنیدن خیلی پائین تری نسبت به specialist دارد. برای مثال Aelioryx و Logodon فقط به امواج تا حدود ۸۰۰ Hz پاسخ می دهند و بهترین میزان حساسیت بین ۲۰۰ Hz تا ۵۰۰ Hz است.

گروهی از ماهیان فاقد کیسه شنا از نظر رفتاری مورد مطالعه قرار گرفته اند. گونه هایی مثل ماهی تن حساسیت کمی دارند.

توانایی پاسخ دادن به امواج دقیق اطلاعاتی را در مورد حساسیت و سیستم شنوایی می دهد اما این علائم زیاد علائم طبیعی نیستند. به هر حال در شرایط طبیعی نقش سیستم شنوایی پاسخ دادن به علائم و ایجاد تمایز بین علائم است. مطابق آنچه که بر روی Pomacentoridae انجام شده است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

همچنین مطالعاتی روی Carassius صورت گرفته است که جهت پاسخ دهی و تمایز بین

سیگنالهای مختلف در شلوغی است و حاکی از آن است که این none – specialist ها

توانایی پاسخ دهی چندانی ندارد.

منابع صوتی متمرکز

یکی از مهمترین نقش های سیستم شنوایی مشخص کردن موقعیت و محل شکار برای ماهیان مخصوصاً ماهیان غارتگر است.

مطالعات اولیه در مورد اینکه ماهی ها می توانند صوت را تجزیه کرده و درک کنند مبهم است و این مطالعات پیشنهاد می کند که در حقیقت ماهی ها توانایی اینکه اصوات را مانند مهره داران خشکی که از طریق کاربرد دو گوش تجزیه کرده و درک می کنند را ندارند. حدس زده می شود از آنجائیکه ماهی ها فقط یک گیرنده صوتی دارد که آن کیسه شناست در نتیجه اطلاعات گرفته شده بوسیله کیسه شنا با علائم دریافتی گوش ها برابر است.

مطالعات اخیر نشان می دهد که تجزیه منابع صوتی احتمالاً بوسیله مکانیسمی است که کاملاً با روش مهره داران خشکی فرق می کند فقط گروهی بسیار محدود از گونه ها مثل ماهی کاد می تواند بین دو صوت مختلف در شرایط آزمایشگاهی تمایز قائل شود و همچنین به نظر می رسد بین صداهایی که از فواصل مختلف هم می آید می تواند فرق بگذارد.

اطلاعاتی هم در مورد بعضی از استاریوفیزیها مثل Gold fish موجود است. مبنی بر اینکه این ماهی می تواند در مورد موقعیت منبع صوت عکس العمل نشان می دهد.

هنوز این مطلب که چگونه تجزیه و تحلیل اتفاق می افتد روشن نیست.

بعضی از پاسخ های ممکن است بخوبی شامل نحوه عمل سیستم شنوایی باشد. تشکیلات شنوایی بصورت گروههای جهت یافته سبب دادن پاسخ به محرک ها می شود، محرکها باید حرکات مختلفی را برای شنوایی از طریق منابع صوتی مختلف فراهم کنند. حدس زده می

شود که این حرکات در ارگانهای داخلی مختلف اطلاعات جامعی را برای سیستم عصبی مرکزی فراهم می کند که سبب تحریک در جهات مختلف می شود. بعضی از آزمایشات نمی تواند ثابت کند که sepecialist ها فقط از پدیده انتشار ذرات برای تعیین جهت استفاده می کنند، بلکه آنها از آمیزه ای از فشار و انتشار استفاده می کنند.

البته none – specialist ها هم فقط به فشار عکس العمل نشان نمی دهد و درمورد اینکه آنها علائم دیگری را برای جهت یابی بکار می برند ابهاماتی وجود دارد.

چرا ماهی ها می شنوند؟

شنوایی ماهیان بصورت یک معماست، درجائیکه بسیاری از گونه ها به خوبی می شنوند گونه هایی هم هستند که قادر به تولید صوت جهت برقراری ارتباط با محیط اطراف اند و ناشناخته باقی مانده اند. بهترین نمونه که به امواج صوتی بیش از ۲۰۰۰ Hz بخوبی حساس است ماهی Gold fish می باشد اگر چه اطلاعات ما در زمینه زندگانی ماهی کم است، شواهدی هم براینکه این گونه می تواند، صوت تولید کند وجود ندارد. اطلاعاتی مبنی براینکه ماهی Mormiryal به خوبی می شنود وجود دارد اما علت این پدیده هنوز شناخته است، گویا صوت را جهت برقراری ارتباط بکار می برد.

البته سالها بر روی این موضوعها کار شده ولی هنوز Goldfish و یا گونه هایی که می توانند بشنوند، تولید صدا نکرده اند. بنابراین هنوز این سؤال باقی است که Gold fish به چه چیزی گوش می دهد؟ اینکه آیا به اصوات محیط اطراف خود هم گوش می دهد، معمایی دیگر است. ماهی ها بخوبی از طریق گوش دادن به صداهای محیط اطراف می توانند درمورد حضور اطرافیانشان و گستردگی محلی که در آن هستند پی ببرند. پس ماهی در واقع مثل یک انسان کور عمل می کند.

چرا ماهی ها عمل Sven را انجام می دهند؟

عمل گیرنده های حسی خط جانبی هنوز به صورت معماست. تکنیک های بیوفیزیکی اخیر در مورد پاسخ ها و واکنش های خط جانبی و سلولهای آن مطالبی را توضیح می دهند. دقیقاً بوسیله کنترل تحریک های مکانیکی خیلی کوچک و ابزارهایی که با کامپیوتر سروکار دارد بررسی و تجزیه تحریکات هیدرودینامیکی که در تحریک خط جانبی و سلولهای آن خیلی مؤثر است را ممکن ساخته است. مطالعات مختلف پیشنهاد می کند که Svening پاسخ دادن به ذرات مختلف شتاب دار و یا سرعت دار در اطراف بدن است.

شتاب، سرعت و تغییر حساسیت

سلولهای شنوایی مسئول تغییر مکان حلقه ها هستند ولی ساختار کوپولا در روی neuromast ها این امکان را می دهد که خم شدن کوپولا در نتیجه اصطکاک است که بستگی به سرعت آب دارد.

در سطح بدن neuromast های آزاد می توانند نسبت به سرعت محرک ها پاسخ دهند. به هر حال با توجه به سخت بودن کانالها و قطر کم آن ها کمتر از چند میلی متر و دامنه فرکانس ها سرعت در داخل کانال متناسب با شتاب محرک خارجی است. به نظر می رسد کانالهای neuromast که بخوبی نسبت به محرک های شتابدار پاسخ می دهند در مدل های آزمایش هم این عمل را بخوبی انجام داده اند اندازه های مختلف کانالها ابعاد سوراخ و مقاومت آن وجود انتقالهای خیلی پیچیده را که در بعضی گونه ها هست روشن می سازد.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

بسامد

فرکانس هایی که برای حساسیت ارگانهای داخلی خط جانبی لازم است بوسیله ثبت کردن از فیبرهای آوران تعیین می شود و مشخص می کند که از محدوده زیر 200 Hz هستند و تفاوت هایی بین نئورومست های سطحی وجود دارد که عموماً حساسیتی زیردامنه معمول بین 60 Hz - 10 Hz دارند بعضی دقت ها کانال های نئورومست بهترین پاسخ را به فرکانس های بین 200 Hz - 50 Hz می دهند.

مطالعات تطبیقی

سیستم شنوایی - مقایسه در ساختار؛

رتزیول در سال ۱۸۸۱ ساختار گوش ماهیان را دارای تنوع وسیع معرفی کرد. واضح است که کانالهای مجاری نیم دایره تنوع زیادی دارند. همچنانکه این تنوع در اندازه و شکل ارگانهای داخلی و خصوصاً سنگریزه اتولیت هم وجود دارد. محققان اخیر به تنوع در ساختار گوش و راههایی که احتمالاً گوش برای پاسخ دادن به فشار بکار می برد اشاره کرده اند.

براساس نتیجه ای که از بیشتر تجزیه ها و آزمایشات بدست آمده است، و با استفاده از SEM, TEM تاباندن و انتقال میکروسکوپی الکترون مشخص شده که بیشترین تنوع مربوط به اپیتلیهای حسی گوش و در ارتباط با آندسته از ارگانهای داخلی است که در امر شنوایی دخالت دارند. همچنین تفاوت هایی در الگوهای جهت یابی سلولهای شنوایی و در بین گونه های مختلف دخالت دارند. و بیشترین الگوهای غیررایج، بطور ثابت در بین گونه هایی که از نظر شنوایی تخصص یافته اند Specialist hearing که دارای اتصالی بین کیسه شنا و گوش داخلی هستند پیدا می شوند. بیشتر الگوهای استاندارد در گونه هایی که فاقد این اتصالی پیدا می شوند، در صورتیکه سایر مدل ها (به جز مدل منحنی های موازی) در گونه هایی که دارای اتصال هستند وجود دارند.

در حقیقت حتی در یک خانواده Holocentridae یک specialist hearing هستند درست است.

وجود پیشرفتگی و تخصص در ارگان های گوش بستگی به گستردگی *audition* در پشت ساکول دارد. در دو مورد یکی در شک ماهیان و در یک نوع گربه ماهی دریایی با نام علمی *Arius felis* اتریکول در ارتباط با *audition* است که این ارگان داخلی دارای یک اپیتلیوم حسی و جهت یابی سلول برخلاف آنچه که در سایر مهره داران یافت شده است می باشد. نکته مهم در مورد گوش و تنوع آن، اینست که الگوهای ساکولاری مشابه در گروه های متنوع تاکسونومیک یافت می شود و بنظر می رسد که اینها مستقل از الگوهای مشابه عمل می کنند. و شاید مستندترین مورد همان الگوی استاندارد باشد، این الگو احتمالاً مثل الگوهای منحنی موازی که در ماهیان غیر استخوانی مشاهده می شود، دارای یک سری سلولهای مجزا در قسمت اپیتلیوم است. اجداد ماهیان استخوانی دارای یک الگوی استاندارد چهارجانبه هستند و الگوی عمودی و موازی، در استاریوفیزها ظاهراً با از دست دادن سلولهای افقی جهت دار شکل گرفته است. همچنین الگوی موازی که در *mormirids* ها وجود دارد، احتمالاً از الگوهای چهارجانبه ای که در سایر ماهیان *Ostoglossiform* واقعی وجود دارد، مشتق شده است. مثال دیگری از تنوع در بین گونه های مختلف در مورد گوش، تنوع در سنگریزه ساکولار است. ساختار سنگریزه های گوش و خصوصاً ساکولار گاهی دارای شکل های دقیقی است. و حدس زده می شود که جنبش اتولیت در نتیجه شکل، توده و مرکز ثقل سنگ باشد. بنابراین پیش بینی های گذشته جنبش اتولیت نسبت به غشاء حسی احتمالاً در نتیجه گوناگونی واکنش های گوش داخلی خصوصاً به علائم صوتی است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

وجود این تنوع ساختاری و اهمیت عمل آن در هنگام شنوایی بسیار جالب و مهم است. یک توضیح: ممکن است که گوناگونی سبب انعکاس های مختلف در ایجاد پاسخهای مناسب به سیگنال در گونه های مختلف شود براساس تکامل گونه های مختلف این ساختارها هم تکامل می یابند. توضیحی دوم در مورد تنوع ساختاری این است که گونه های مختلف مکانیسم های مختلفی را در ایجاد عکس العمل به کار می برند. و بالاخره اینکه اطلاعات بشر در مورد تنوع در ساختار شنوایی ماهی ها بسیار ناچیز است.

سؤالات مهم

مطالبی که در مورد آنها بحث شد بیشتر در مورد نحوه عمل سیستم شنوایی بود که در ماهیان بیشتر شناخته شده اند و باتوجه به اینکه اطلاعات بشر در بیشتر از بیست سال افزایش یافته ولی هنوز در مورد جزئیات اجزاء و نحوه عمل سیستم در یک گونه اطلاعات کافی در دست نیست. باتوجه به اینکه هنوز مسائل زیادی در مورد سیستم شنوایی و تعادل ماهیان روشن نشده لذا در اینجا فقط در مورد اجزاء عمده سیستم شنوایی و تعادل ماهیان بحث خواهد شد.

سیستم شنوایی

هنوز اطلاعات کمی در مورد نحوه عمل کیسه شنا، و سایر حباب های گازی در شنوایی دخالت دارند و عمل استخوانک های ویبر در شنوایی وجود دارد. و هنوز جنبش های اتولیت و الگوی تحریک گوش داخلی ناشناخته اند. و علت تنوعهای مختلفی که در ساختار ماکولوس در گونه های مختلف وجود دارد و اینکه احتمالاً این تنوعات در ارتباط با حرکت نسبی ارگانهای داخلی است، روشن نشده است. اهمیت عمل در الگوهای جهت یابی سلول های شنوایی و اینکه آیا داشتن سلول های بیشتر نتیجه بخش است یا خیر، روشن نشده است. و همچنین اختصاصات کانالهای مختلف باید مورد مطالعه واقع شوند. چگونگی تغذیه گوش، واکنش های قسمت های مختلف اپیتلیا و چگونگی عمل واقعیت های عصبی باید در مورد مطالعه قرار گیرد.

در نهایت دانش کمی در مورد واکنش سطوح مختلف CNS به تحریکات شنوایی وجود دارد. اگرچه بیشتر اطلاعات در مورد Carrassius است. و تقریباً هیچ مطلبی در مورد سیستم و ابران و چگونگی عمل آن در تولید صوت در ماهیان وجود ندارد و بالاخره به جزء تنوع وسیعی که در ساختار سیستم شنوایی ماهیان وجود دارد سؤالاتی در مورد عمل سیستم شنوایی و تفاوت در عملکرد آن هم وجود دارد.

سیستم Vestibular

سؤالات پایه در مورد گوش داخلی ماهیان و احساسهای Vestibular که با احساسات شنوایی فرق دارند، وجود دارد. در ماهیان برخلاف چهارپایان که اندامهای سیستم شنوایی آنها متمایز و جدا شده اند، ارگانهای اتولیتی داده های صوتی را بخوبی می گیرند. مطالعات آناتومی عملکردی از اندام های اتولیتی را نشان داده که با هسته های Octaval هم پوشانی دارند. اما این عملکرد جزئی، مشکل را حل نمی کند. برای مثال بعضی از مناطق اپیتلیایی ممکن است، حساسیت صوتی داشته باشند و بنابراین احتمال اینکه با راههای مرکزی شنوایی همپوشانی داشته باشند هست. بعضی از مناطق ساکولاری ممکن است حساسیت gravistically داشته باشند و با راههای Vestibular همپوشانی کنند. کمبود اطلاعات در مورد واکنش های آوران در ارگانهای شنوایی ماهیان استخوانی ایجاب می کند که باید مطالعات فیزیولوژیکی در ارگانهای داخلی شنوایی ماهی صورت گیرد. وهمچنین رنگ آمیزی نرون ها (آکسون ها) در پی بردن به ویژگی های واکنش های مختلف بسیار مفید است.

اینکه تفاوت های مناطق استریولاری اهمیت دارد هنوز ناشناخته است. در ماهیان استخوانی اتریکول و احتمالاً لاگنا اغلب دارای یک Striola است اما بنظر می رسد که ساکولوس فاقد آن است. عدم وجود پدیده استریولا در یک ارگان برای بیشتر ارگان های شنوایی اهمیت دارد. اخیراً در ماهیان استخوانی کاربرد جنتامایسین تعداد زیادی از مجموعه های مژگانی را از بین برده که فقط در منطقه استریولا اتولیت واقع شده بودند.

خط جانبی

خط جانبی یکی از قسمت های پیچیده بدن است که شبیه کانالهای نئورومست های آزاد در سر می باشد که استادانه ساخته شده است. بعضی وقت ها تنوعات ساختاری سیستم بسیار شگفت انگیزتر از نحوه عمل آن است. و علت آن چنین بنظر می رسد: مناطق مختلف فرکانس های پائین و عملکرد آن. به هر حال مرفولوژی پیچیده آن ایجاب می کند که این سیستم در ارتباط با پروسه های زمانی پیچیده باشد. در تحقیقات اخیر هنوز جایی برای وجود نقشه های مشابه آنچه که برای حواس بینایی، شنوایی و سلولهای سوماتیک بدنی شناخته شده است در مغز وجود ندارد و حقیقتاً اطلاعاتی درمورد اینکه چگونه CNS نشانه هایی هم از لحاظ مکانی و هم زمانی را از محیط پیچیده در دست نیست.

مطالعات بیولوژیکی درمورد سلولهای شنوایی و چگونگی تحریک پذیری سلولهای شنوایی نسبت به محیط اطراف و تحریکات مختلف وجود دارد. و اطلاعات بیشتری درمورد فیزیولوژی برآمدگی های مرکزی و چگونگی کاربرد Suening مورد نیاز است.

منابع فارسی

- ۱- ابن رضا، سید حسین. ۱۳۶۵، قم از نظر اجتماعی و اقتصادی.
- ۲- حبیبی، طلعت. ۱۳۷۳. جانور شناسی عمومی، جلد دوم و سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- دبیران جغرافیایی استان قم. ۱۳۷۳. جغرافیای استان قم.
- ۴- ماهنامه آبزیان. ۱۳۷۴. شماره ۴.
- ۵- وضعیت منابع آب کشور. شماره ۱۴، اردیبهشت ۱۳۷۶، سازمان مدیریت منابع آب ایران. وزارت نیرو. مرکز تحقیقات منابع آب.
- ۶- وضعیت منابع آب کشور. شماره ۹، مهرماه ۱۳۷۳، سازمان مدیریت منابع آب ایران. وزارت نیرو. مرکز تحقیقات منابع آب.
- ۷- و ثوقی، غ و مستجیر، ب. ۱۳۷۳. ماهیان آب شیرین، انتشارات دانشگاه تهران.

۸- و ثوقی، غ و ۱۳۶۵. ماهی شناسی عمومی،
پلی کپی، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه
تهران.

۹- و ثوقی، غ- ۱۳۶۵. شناسایی ماهیان حوزه
دریاچه هامون، نامه دانشکده دامپزشکی
دانشگاه تهران.

۱۰- و ثوقی، غ. ۱۳۶۱. شناسایی ماهیان دریاچه
پریشان چشمه ها و رودخانه های اطراف کازرون
و محسنی، نامه دانشکده دامپزشکی دانشگاه
تهران.

۱۱- یدا افشین. ۱۳۷۳. رودخانه های
مهم ایران.

منابع انگلیسی

1. Banarescu ، p.1984.the Fresh Water Fishes of Europe Cyprinidae .

A. 1985 . Lehrbuch der speziellen Zoologie . Band . 1. 2. 3. ، 2.Kaestner

Gustav Fischer Verlag Stuttgart.

3 . Lagler ، K.F.etal. ، 1962 . I Chthyology . John Wiley & Sons ، Inc .

USA.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

4. Nikolski ، G.W.1957.Die Fische Tadshikistans USSR.

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com